

محمدی چابکی، رضا (۱۳۹۳). انسان‌شناسی تشکیکی و دلالت‌های تربیتی آن. مجموعه سمینارهای تخصصی
تعلیم و تربیت اسلامی. مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.



انسان‌شناسی تشکیکی و دلالت‌های تربیتی آن

دکتر رضا محمدی چابکی^۱

تاریخ ارائه سمینار: دی ماه ۱۳۸۹

چکیده:

انسان‌شناسی یکی از مهم‌ترین بنیادهای نظری علوم انسانی محسوب می‌شود. به عبارتی، نظریه‌های علمی در حوزه‌های غیرطبیعی (انسانی و اجتماعی) بر اساس نوع نگاه به انسان تفاوت می‌کنند. این نگاه‌ها می‌تواند برخاسته از یک مکتب یا رویکرد فلسفی، علمی یا دینی باشد. به نظر می‌رسد یکی از ضعف‌های علوم انسانی اسلامی تدوین نشدن یک نظریه جامع و منسجم انسان‌شناختی مبتنی بر اندیشه‌های خالص اسلام (برگرفته از قرآن و روایات) است. از این رو، پژوهش حاضر به دنبال ارائه نظریه‌ای انسان‌شناختی مبتنی بر حکمت متعالیه با عنوان «انسان‌شناسی تشکیکی» و استنباط دلالت‌های آن برای تعلیم و تربیت می‌باشد.

یکی از بنیادهای هستی‌شناختی حکمت متعالیه «تشکیک در وجود» است. پیش از ملاصدرا، متفکران و فیلسوفان مسلمان در دو حوزه منطق و فلسفه از مفهوم تشکیک سخن گفته بودند؛ اما ملاصدرا با طرح اندیشه خود در این خصوص، بنیان محکمی برای طرح علوم انسانی اسلامی ایجاد کرده است. به طور خلاصه، این اندیشه به مرتبه‌ای بودن وجود اشاره دارد و هستی از این منظر دارای مراتب و درجات است.

با توجه به این دیدگاه، انسان‌شناسی حکمت متعالیه را هم می‌توان به صورت تشکیکی ملاحظه کرد. وجود آدمی که تا پیش از ملاصدرا مرکب از دو بخش جسم و نفس بود، توسط ملاصدرا انسجام

^۱. استادیار دانشگاه شهید بهشتی

یافته و به شکل بافتاری پیوسته مورد ملاحظه قرار گرفت. طبق این نگاه، انسان دارای نفس های چهارگانه نباتی، حیوانی، ناطقه و الهی می باشد که در هر دوره از زندگی آدمی یکی از آنها غلبه داشته و نفس های دیگر به میزان کمتری حضور دارند، به نحوی که یک نفس متحد با رنگ های متفاوتی قابل ظهور است. مثلاً در دو سال ابتدایی زندگی «نفس نباتی» غلبه دارد و در دوران کودکی غلبه با «نفس حیوانی» است. همچنین، حدوث اولیه نفس آدمی به صورت جسمانی بوده و امتداد و بقای آن به گونه ای رحمانی است. به عبارت دیگر، انسان جسمی تکامل یافته است و پیدایش نفس ناشی از تکامل جسم است. علاوه بر این، انسان بر خلاف سایر ممکنات که از ماهیت و مرتبه وجودی خاص و ثابتی برخوردارند، هویت خاص و مرتبه وجودی ثابتی ندارد، بلکه در ظرف طبیعت به مقتضای حرکت جوهری و اتحاد و یگانگی با بدن، دائماً در حرکت بوده و از مرتبه ای به مرتبه دیگر منتقل می شود و بنابراین، مراتب وجودی متفاوتی دارد و هر لحظه به شیئی تازه منقلب می گردد و از هر مرتبه اش ماهیت خاصی انتزاع می شود. به عبارت دیگر، حقیقت انسان تشکیکی است و در طول حیات، مراتب گوناگونی را شامل می شود. حیات انسانی نیز تحت تأثیر این تلقی دارای درجاتی است که طبق یک طبقه بندی کلی می توان آن را به سه مرتبه «حیات طبیعی»، «حیات معقول» و «حیات الهی» تقسیم بندی کرد. از سوی دیگر، تفاوت انسان ها عمیق و ذاتی می باشد، نه امری عارضی. این تمایز به تفاوت درجات وجودی نفس (یا حقیقت) آن ها مربوط می شود که ناشی از میزان «علم» است.

با توجه به این طرز تلقی از ماهیت انسان، می توان از «تربیت تشکیکی» سخن گفت. طبق این دیدگاه، مفهوم تربیت دارای مراتب و درجات می باشد و انسان در تمام مراحل زندگی خود سیری استکمالی و رشدی دارد. این دیدگاه مخالف نگاهی است که تربیت انسان را از دوران بلوغ به بعد لحاظ می کند و پیش از دوران بلوغ را مرحله ای تمهیدی می انگارد. بنابراین، در هر مرحله از زندگی آدمی درجه و مرتبه خاصی از تربیت که شامل اصول و روش های متفاوتی خواهد بود، قابل تعریف و توضیح می باشد. این مراتب تربیت ارتباط وثیقی با «نفس غالب» در هر دوره از زندگی آدمی دارد. به عبارت دیگر، انسان شناسی تربیتی در هر مرحله با مراحل دیگر تفاوت دارد. علاوه بر این، ویژگی کلی تربیت را می توان تلفیق دو راهبرد عمده «تمهید» (زمینه سازی رشد استعداد های نفس) و «تحدید» (مهار و تأدیب سرکشی های نفس) دانست. با توجه به این توضیحات و با توجه به مراتب حیات انسان، تعریفی

کلی از تربیت می‌توان ارائه داد که عبارت است از: انتقال جان آدمی از حیات طبیعی به حیات معقول تا حیات الهی. توضیح خط سیر در این مراحل انتقالی و تشریح ویژگی‌ها و مشخصات هر یک از این مراحل و نیز، شرح و بسط اصول و روش‌های تربیتی در هر یک از این مراحل نیاز به مجالی فراخ‌تر دارد.

